



The value of acquittal Issue by Jury in press crimes for trialcourt and appeal (Critique and Examination of the Rulling No.140006390000381005 2021/08/22 Issud by 42th chamber of supremecourt)

Hassan Mohseni(Ph.D.)*
Fatemeh Safari†

 0000-0000-0000-0000
 0000-0000-0000-0000

Abstract

In press crime, perhaps lower court acquit or convict accused based on jurie's opinion. The conviction is appealable based on article 43 (3) of Press law 1986, but about appealable of acquittal (no guilty) the law is silent. Is that appealable based on general rules or legislator contemplated to special expediency? 42th branch of supreme court base on inference of 43 (3) of Press law 1986 and foundation of Press law, which is based on liberty of press, upheld acquittal judgment issued by lower court, a non-appeal judgment (final); a judgment that is conform to the nature press activities and liberty of press law.

Keywords: Press, Press Crime, Jury, Freedom, Innocence.

*- Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran

hmohseny@ut.ac.ir

†- M.A Penal & Criminology Law, University of Tehran, Tehran, Iran

fateme.safari@ut.ac.ir

ارزش نظر برائت هیئت منصفه دادگاه مطبوعات برای دادگاه و شکایت فرجامی

(نقدی بر دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۳۸۱۰۰۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ صادر شده از
شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

حسن محسنی[□]

خانم فاطمه صفری[□]

چکیده

در جرائم مطبوعاتی، ممکن است دادگاه نخستین بر اساس رأی هیئت منصفه حکم به برائت و یا محکومیت متهم را صادر نماید. حکم محکومیت بر اساس تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲) قابل فرجام‌خواهی است. اما در خصوص قابل فرجام بودن حکم برائت تصریحی در قانون وجود ندارد. آیا باید در این خصوص به قاعده عام عدم قطعیت آراء کیفری رجوع نمود یا اینکه قانونگذار از تدوین قانون به این شکل مصلحت خاصی را مد نظر داشته است؟ در این راستا شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور در برداشت از تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات و نیز بنیادهای قانون مطبوعات که مبتنی بر اصل آزادی مطبوعات در بیان اندیشه‌هاست، عقیده بر قطعیت رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی دارد که البته این گرایش با ماهیت حقوق و آزادی مطبوعات سازگار است.

کلمات کلیدی

مطبوعات، جرائم مطبوعاتی، هیئت منصفه، آزادی، برائت

□ دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hmohseny@ut.ac.ir

□ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

fateme.safari@ut.ac.ir

مقدمه

۱- مطبوعات در هر جامعه‌ای از آن نظر دارای اهمیت هستند که با نگاهی موشکافانه تلاش می‌کنند تا نقاط ضعف و قوت مدیریت حاکمان را خاطر نشان سازند؛ بنابراین اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی آزادی مطبوعات را به رسمیت شناخته و محدوده این آزادی را تا اخلاص به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی اعلام نموده است؛ اگر چنین آزادی نباشد ممکن است مطبوعات فقط اخبار و اطلاعاتی را منتشر می‌کنند که خوشایند اداره‌کنندگان یک جامعه است. رسانه‌ها و مطبوعات تنها در صورتی می‌توانند به رسالت خود عمل کنند که در سایه این آزادی فعالیت نمایند.

۲- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ با توجه به اهمیت این نهادها تصویب شده و بر اساس این قانون، رسالت مطبوعات، حقوق مطبوعات، حدود مطبوعات و جرائم مطبوعاتی تبیین شده است. ماده ۲ این قانون، رسالت مطبوعات را در پنج بند بیان نموده که اولین و مهمترین آن «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم» است. ماده ۴ نیز اعمال فشار بر مطبوعات توسط هر مقام دولتی و غیردولتی جهت سانسور و کنترل نشریات را غیرقانونی اعلام نموده است.

۳- با وجود این گزاره‌ها، اشخاصی به قصد ایذاء مطبوعات و ایجاد مانع برای فعالیت این نهادها و گاهی جهت وادار ساختن آنها به سکوت و عدم انتشار اخبار در برابر رفتارهای غیرقانونی، با طرح شکایت علیه مطبوعات تلاش می‌کنند تا با انتساب رفتارهایی که در قانون از آن با عنوان جرم مطبوعاتی یاد می‌شود، مطبوعات را کنترل و سانسور نمایند.

۴- یکی از موضوع‌هایی که رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را از دیگر جرائم تفکیک می‌کند، حضور هیئت منصفه در جلسه رسیدگی به این جرائم است. بر اساس ماده ۳۴ قانون مطبوعات، حضور هیئت منصفه در جلسه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی الزامی است و دلیل این الزام نیز ماهیت این جرائم است؛ زیرا مخاطب مطبوعات عموم مردم هستند و بهترین میزان جهت سنجش رفتار مطبوعات، مردم یک جامعه هستند و از آنجاکه امکان اعمال نظر همه مخاطبان مطبوعات در خصوص اقدام یکی از مطبوعات میسر نیست، هیئت منصفه به عنوان نمایندگان دیدگاه عموم مردم یک جامعه به داوری در خصوص رفتار مطبوعات

می‌پردازد. این نهاد در نظام حقوقی ایران دارای سابقه طولانی است و از ابتدای زمان تدوین قوانین در ایران مورد توجه قانونگذار بوده به نحوی که اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۶ نیز به آن پرداخته و پس از آن نیز در قوانین دیگر پیش‌بینی شده است از جمله قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱، مواد ۱۶۲ تا ۱۶۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷ و ... (محسنی و صفری، ۱۳۹۹، ص ۳).

۵- در ماده ۳۰۵ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این نهاد پیش‌بینی شده است. بر اساس این ماده: «جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود ...». بدیهی است قانونگذار در قانون مطبوعات و قانون آیین دادرسی کیفری اهمیت و جایگاه نظر هیئت منصفه در تصمیم دادگاه را به شکل های مختلف مورد تأکید قرار داده است؛ از جمله الزامی بودن حضور اعضای هیئت منصفه در جلسات دادگاه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، رسمیت یافتن جلسات دادگاه با حضور این هیئت (ماده ۲۸ قانون مطبوعات).

۶- بر خلاف نکات پیش گفته، همچنان برخی از حقوق دانان اهمیت این هیئت را انکار نموده و پیش‌بینی این نهاد در قانون را عامل اطاله دادرسی، رواج عوام‌زدگی در تصمیم دادگاه و ناقض استقلال قاضی می‌دانند (شریفی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰). ولی، باید گفت حضور هیئت منصفه از آن جهت در فرایند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی ضروری است که دیدگاه این هیئت، علاوه بر آنکه بازتاب‌دهنده افکار عموم مردم یک جامعه در خصوص اقدام مطبوعات است، دخالت ایشان در جریان دادرسی صرفاً در امور موضوعی بوده بی‌آنکه در امر حکمی دخالتی داشته باشند. تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مطبوعات نیز مقرر داشته: «پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید».

۷- حال چنانچه هیئت منصفه در خصوص یک اتهام مطبوعاتی با توجه به ابتدا ماده ۴۳ قانون مطبوعات -که مقرر داشته هیئت منصفه باید نظر کتبی خود را در مورد دو سؤال: الف) متهم بزهکار است یا خیر؟ و ب) در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ کتباً به دادگاه اعلام نماید- نظر بر بزهکار نبودن متهم و یا به عبارت دیگر برائت او

داشته باشد و دادگاه نخستین نیز با توجه به نظر هیئت منصفه عقیده بر برائت متهم داشته و حکم برائت صادر نماید، آیا شاکی می‌تواند نسبت به این رأی دادگاه نخستین تجدیدنظرخواهی نماید؟ آیا قانونگذار در زمان تدوین تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات، به مصلحت خاصی توجه داشته که بیان داشته اگر رأی دادگاه بر مجرمیت متهم استوار باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظر است؛ اما در خصوص اینکه اگر رأی دادگاه برائت باشد سکوت نموده است؟

در ابتدا شاید پاسخ به این پرسش‌ها بدیهی به نظر برسد و بیان شود که بر اساس ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر عدم قطعیت آراء کیفری بوده و از آنجاکه بند ۳ ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده؛ بنابراین رأی برائت در این خصوص بر اساس ماده ۴۲۸ قانون مذکور قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است؛ اما پاسخ به این پرسش به سادگی ممکن نبوده و نیازمند بررسی بیشتر است؛ در این راستا خواهیم دید که شعبه دیوان عالی کشور در دادنامه‌ای که مربوط به شکایت از اقدامات یکی از مطبوعات است، به چه شکلی به موضوع ورود نموده و از چه جنبه‌ای نسبت به آن اظهار نظر کرده است.

گزارش پرونده و رأی شعبه دیوان عالی کشور

الف) گزارش پرونده

در رأی مورد بررسی، شکایتی علیه یک شخص و یک خبرگزاری با موضوع افتراء، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و یا به قصد اضرار به غیر، پخش شایعات و مطالب خلاف واقع در دادرسی فرهنگ و رسانه مورد رسیدگی قرار گرفته و پس از ارجاع پرونده به شعبه چهارم بازپرسی آن دادسرا، شعبه یاد شده به استناد جرم ندانستن رفتار، قرار منع تعقیب صادر نمود. به این ترتیب شاکی پرونده نسبت به قرار یاد شده اعتراض نموده و پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک تهران ارجاع شد و آن شعبه قرار دادگاه را نقض و پرونده را با صدور قرار جلب به دادرسی جهت تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاعیات متهمین به دادسرا بازگرداند. پس از آن در ادامه رسیدگی، شعبه ۹ دادگاه کیفری

یک تهران، ضمن تشکیل جلسه و دعوت از طرفین، هیئت منصفه را نیز جهت اظهار نظر دعوت کرد. در جلسه رسیدگی، هیئت منصفه متهمین را بزهکار ندانست و دادگاه نیز بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مطبوعات و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حکم برائت صادر نمود. شاکی نسبت به این رأی فرجام‌خواهی نمود و پرونده به شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور ارجاع شد و آن شعبه به دلیل نقص تحقیقات و بر اساس بند ۲ بخش (ب) ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، جهت تکمیل تحقیقات پرونده را به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک (صادرکننده رأی نخستین) ارسال نمود که شعبه یادشده نیز تکمیل تحقیقات را از شعبه چهارم بازپرسی درخواست نمود. پس از تکمیل تحقیقات دوباره پرونده از شعبه بازپرسی به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک ارسال شد و شعبه دادگاه جلسه تشکیل داد و از طرفین و هیئت منصفه جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آمد. این بار نیز هیئت منصفه اعلام نمود که متهمین بزهکار نیستند و دادگاه نیز بر این مبنا و نیز بر اساس اصل کلی برائت حکم برائت صادر نمود. شاکی نسبت به این رأی درخواست فرجام نمود و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور ارسال شد که آن شعبه رأی برائت صادر شده را غیرقابل فرجام اعلام نمود.

ب) رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور

«در خصوص فرجام‌خواهی وکیل شاکی آقای ح.ف به طرفیت آقایان ۱- ح.ق مدیر مسئول خبرگزاری... ۲- م.ک نسبت به دادنامه شماره ۳۷۵ مورخ ۱۰/۱۷/۱۳۹۹ شعبه نهم دادگاه کیفری یک تهران که به موجب آن در مورد اتهام‌های انتسابی به متهمان مذکور دائر بر نشر اکاذیب به قصد تشویش انذهان عمومی و ایراد افتراء از طریق گفتگو و انتشار در خبرگزاری... با توجه به نظر هیئت منصفه مطبوعات مبنی بر مجرم تشخیص ندادن متهمان و به لحاظ عدم احراز وقوع بزه رأی بر برائت آنان صادر گردیده است، با عنایت به محتویات پرونده و نظر به اینکه اولاً- حسب اصل ۲۴ قانون اساسی، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد و از سوی دیگر اصول و قواعد حاکم در قانون مطبوعات در راستای تضمین آزادی اندیشه و قلم و آنچه

در مطبوعات انتشار می‌یابد وضع شده است و تخلفات و جرائم مربوط استثنائاتی خلاف اصل و قاعده والای برائت بوده که بایستی به موارد قدر متیقن اکتفا و مبتنی بر نظر مخالف هیئت منصفه به‌عنوان نماینده افکار عمومی جامعه باشد. ثانیاً - مستنبط از تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات این است که اگر تصمیم هیئت منصفه بر عدم بزهکاری متهم باشد و دادگاه مطبوعات نیز بر اساس نظر هیئت منصفه رأی بر برائت متهم صادر کند چنین رأی برائتی دیگر قابل تجدیدنظر (فرجام) نخواهد بود؛ زیرا هرچند در ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری عام رأی صادره درباره جرائم مطبوعاتی به طور مطلق قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور اعلام گردیده؛ ولیکن در قانون خاص مطبوعات صرفاً رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت متهم قابل تجدیدنظر شناخته شده است و از نظر قواعد اصولی، قانون عام مؤخر نمی‌تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این قبیل موارد قانون خاص مخصّص قانون عام است مگر خلاف آن تصریح شده باشد که در مانحن‌فیه چنین نصی نداریم و قرائنی دال بر آن نیز وجود ندارد و اعتباربخشی و قطعی دانستن این قبیل آراء در راستای پاسداشت حقوق و تضمین آزادی مطبوعات ارزیابی می‌گردد؛ لهذا توجهاً به مراتب مذکوره دادنامه صادره را قطعی و غیرقابل فرجام تشخیص داده و به استناد وحدت ملاک بند ۶ ماده ۳۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، فرجام‌خواهی مردود اعلام می‌شود. شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور».

نقد و بررسی رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور

۱- از آنجاکه موضوع نوشته حاضر، قابلیت فرجام‌خواهی رأی برائت صادر شده در جرائم مطبوعاتی که با حضور هیئت منصفه صادر شده می‌باشد؛ بنابراین ورود به جزئیات پرونده و بررسی درستی رأی صادره از دادگاه نخستین موضوع بحث قرار نمی‌گیرد.

۲- شعبه دیوان عالی کشور دلایل زیر را مبنای صدور رأی خود که همان عدم قابلیت فرجام‌خواهی از رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی می‌باشد، قرار داده است:

۱-۲- اصل ۲۴ قانون اساسی که نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد می‌داند

مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.

۲-۲- اصول و قواعد حاکم بر قانون مطبوعات که در راستای تضمین آزادی اندیشه و قلم و آنچه در مطبوعات انتشار می‌یابد وضع شده و تخلفات و جرائم مندرج در آن قانون استثنائاتی خلاف اصل و قاعده برائت است؛ بنابراین باید در این موارد به قدر متیقن اکتفا نمود.

۲-۳- تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات که می‌توان از آن استنباط نمود چنانچه تصمیم هیئت منصفه بر عدم بزهکاری متهم باشد و دادگاه نیز بر اساس رأی هیئت منصفه رأی بر بی‌گناهی متهمین صادر کند، این رأی قابل تجدیدنظر (فرجام) نخواهد بود.

۲-۴- هر چند بر اساس ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی صادره در جرائم مطبوعاتی به‌طور مطلق قابل فرجام است؛ اما در قانون خاص مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ صرفاً رأی دادگاه در خصوص مجرمیت متهم قابل تجدیدنظر اعلام شده و طبق اصول، عام مؤخر نمی‌تواند نسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این موارد قانون خاص مخصّص قانون عام است مگر آنکه خلاف آن تصریح شود، و چون در قانون مطبوعات تصریحی در خصوص قابل فرجام بودن آراء برائت وجود ندارد؛ لذا رأی برائت در این خصوص در راستای پاسداشت حقوق و تضمین آزادی مطبوعات قطعی است.

۳- شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور، اساس رأی خود را آزادی مطبوعات و نشریات قرار داده است و در خصوص عدم قابلیت فرجام رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی، به استنباط از تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات اشاره نموده و نه مفهوم مخالف این مقرره‌های قانونی؛ زیرا: تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات مقرر داشته: «در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است...» مفهوم مخالف این تبصره این است که اگر رأی دادگاه مبنی بر برائت باشد، قابل تجدیدنظرخواهی (فرجام) نیست؛ اما با بررسی دقیق‌تر مفهوم این نتیجه به دست می‌آید که مفهوم یاد شده فاقد حجیت است؛ زیرا مفهوم مخالف شرط با سه شرط حجیت دارد:

الف) دلالت وضع جمله شرطیه بر ملازمه بین مقدم و تالی؛

ب) دلالت وضع جمله شرطیه بر معلق بودن تالی بر مقدم؛

ج) دلالت اطلاق جمله شرطیه بر انحصار سببیت در مقدم به ترتیبی که مقدم، سبب انحصاری تالی باشد.

البته با گردهم آمدن هر سه شرط باید توجه نمود که جمله شرطیه سالبه به انتفاء موضوع نباشد (بنی صدر، ۱۳۹۷، ص ۱۰). در مورد مفهوم مخالف تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات دو ایراد وجود دارد که این مفهوم را فاقد حجیت می سازد: اول آنکه شرط دوم که همان معلق بودن تالی بر مقدم است وجود ندارد و دوم مورد از موارد سالبه به انتفاء موضوع بودن جمله شرطیه است و در این مورد شرط عین موضوع حکم است.

شعبه محترم دیوان عالی کشور با توجه به این نکته، مبنای رأی خود را نه مفهوم مخالف تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات بلکه اصل آزادی مطبوعات و اهمیت نظر هیئت منصفه در رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین قرار داده است.

۴- از سوی دیگر، موضوع قطعیت رأی برائت صادر شده در دادگاه نخستین در خصوص جرائم مطبوعاتی و عدم قابلیت فرجام خواهی از این رأی، نه خلاف اصل عدم قطعیت آراء کیفری (موضوع ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری) است - زیرا همان طور که در رأی دیوان عالی کشور آمده عام مؤخر نمی تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این موارد قانون خاص مخصّص قانون عام است مگر آنکه خلاف آن تصریح شود - نه خلاف اصل ۳۴ قانون اساسی (حق دادخواهی اشخاص در مراجع دادگستری) و ناقض حقوق مکتسبه افراد؛ زیرا بر اساس اصول حاکم بر قانون مطبوعات و همچنین تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات که قانونگذار در مقام بیان آن را وضع نموده، از ابتدا حقی برای فرجام خواهی نسبت به رأی برائت صادر شده در جرائم مطبوعاتی برای شاکی ایجاد نمی شود که در مرحله بعدی شائبه نقض آن ایجاد شود.

۵- شعبه دیوان عالی کشور در رأی حاضر، ضمن مستند نمودن رأی به اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری و عمل به تکلیف ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (اصل مستند بودن دادرسی کیفری بر قانون) و اصل ۳۷ قانون اساسی و همچنین ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری (اصل برائت متهم) با ورود در ماهیت قانون مطبوعات و توجه به رسالت مطبوعات که در ماده ۲ آن قانون اشاره شده، تضمین آزادی مطبوعات را مبنای رأی

صادر شده قرار داده تا در سایه این آزادی، حق عمومی آحاد یک جامعه که همان شفافیت و آگاهی است تضمین گردد. با مطالعه این رأی ملاحظه می‌شود که قضات دیوان عالی کشور به عنوان بالاترین نهاد رسیدگی قضایی، فارغ از مباحث منطقی، اصولی و مفاهیم به فلسفه وجودی مطبوعات و نقش آن در زندگی مردم جامعه توجه دارند و به این ترتیب با صدور این رأی بار دیگر (صدور چنین رأیی پیش از این نیز در دیوان عالی کشور سابقه داشته است: دادنامه‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۲۶۸۷۲۰۰۰۷۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۳۱ و ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۰۰۰۰۵۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ صادر شده از شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور) (www.ara.jri.ac.ir) ضمن تأکید بر اهمیت مطبوعات برای داشتن جامعه‌ای پویا، بر این نکته تأکید شد که پس از صدور رأی برائت نباید مطبوعات را درگیر رسیدگی‌های طولانی قضایی که نتیجه‌ای جز تنش و ایجاد وقفه در کار آنها ندارد نمود.

نتیجه‌گیری

بر مبنای روح حکم بر قانون مطبوعات و اهمیت مطبوعات و نشریات در ایجاد شفافیت و آگاه‌سازی مردم و حکومت اصل برائت، اگر رأی دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی مبتنی بر مجرم شناختن مطبوعات باشد، این رأی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است و اگر دادگاه نخستین بر مبنای نظر هیئت منصفه رأی برائت صادر کند، بر اساس اصل آزادی مطبوعات- و نه قواعد اصولی و مباحث مربوط به مفاهیم- این رأی قطعی بوده و قابل فرجام‌خواهی نیست و این شیوه استنباط از قانون به دلیل مطابقت با مصلحت‌های والاتر و کمک به مطبوعات جهت انجام رسالت خویش، با منطق حقوقی سازگارتر است. بر این بنیاد، رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور را باید یکی از درخشان‌ترین رأی‌های دیوان عالی در حمایت از آزادی بیان و مطبوعات دانست که بی‌گمان، موجب بالا بردن جایگاه این آزادی در جامعه می‌شود.

منابع و مأخذ

بنی‌صدر، سیدعلی (۱۳۹۷)، *اصول فقه تحلیلی*، تهران: چتر دانش.
شریفی، محسن (۱۳۹۸)، «نارسایی‌های تقنینی هیئت منصفه کارآمد در نظام حقوقی ایران»،

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وششم، ش ۱۰۰.
محسنی، حسن و صفری، فاطمه (۱۳۹۹)، «آزادی مطبوعات و قابلیت شکایت رأی برائت دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی»، فصلنامه قضاوت، سال بیست، ش ۱۰۲.
www.ara.jri.ac.ir